

مشروعیت رسیدگی به جرایم زیست محیطی ناشی از آلودگی مواد نفتی توسط محاکم

کیفری بین‌المللی از منظر فقه اسلامی^۱

حسین فروغی نیا*

علی اشرفیان**

چکیده

آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی از جمله مسائلی است که امروزه در حال گسترش می‌باشد و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد در حالی که محاکم داخلی بعضی از کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی به دلیل الزامات ناشی از موانع شرعی و حقوقی کمتر قادر یا مایل به تعقیب بانیان آلودگی نفتی در ورای مرزهای خود می‌باشند، برخی از این جنایات ارتكابی خصوصاً زیست محیطی در ارتباط با اشخاص حقیقی و یا حقوقی متبوع کشورهای اسلامی و یا در سرزمین کشورهای مزبور مشکلاتی را در زمینه تعارض صلاحیتی و سایر موضوعات ایجاد کرده است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در مورد اعمال صلاحیت محاکم بین‌المللی در خصوص جرم آلودگی نفتی نیز، اگر مصلحت‌سنجی‌ها به این نتیجه برسد که رسیدگی به چنین جنایتی، مصالح و منفعی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد، همانند قراردادهای دوجانبه و پذیرش مشروعیت ارجاع اختلافات به داوری افراد غیرمسلمان، مجاز خواهد بود. با توجه به چنین رویکردی، این جستار با در نظر داشتن قواعد حقوق بین‌الملل و مقررات موجود در شریعت اسلامی و کنکاش در نظریه مصلحت مندرج در فقه امامیه، به بررسی صلاحیت قضایی محاکم کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جرم آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی از منظر حقوق اسلامی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: محاکم کیفری بین‌المللی، آلودگی زیست‌محیطی، مصلحت، شریعت اسلامی.

^۱ تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۷

* استادیار گروه حقوق مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی فروردین، قائمشهر، ایران (نویسنده مسئول)

hforoughiniya57@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران

۱- مقدمه

لزوم اعمال حاکمیت در محدوده قلمرو سرزمینی، ایجاب می‌نماید که هر دولتی تنها در این محدوده از صلاحیت تام جهت محاکمه مرتکبان جرم برخوردار باشد و قانون حاکم نیز قانون داخلی همان دولت است (الماسی، ۱۳۸۲، ۴۹). در عین حال، اعطای صلاحیت قضایی بین‌المللی زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که رفتار ارتكابی، دربردارنده درجات بالایی از نقض حقوق انسان‌ها مانند سلب حیات، آزار و شکنجه و تخریب‌گری باشد؛ به نحوی که آن را واجد وصف جنایت بین‌المللی نماید. برای اینکه اینگونه جنایات‌های شدید که موجب نگرانی وسیع جامعه بین‌المللی شده است؛ بدون مجازات نماند، به منظور تضمین تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایات‌های مذکور، اتخاذ تدابیری در سطح ملی همراه با تقویت همکاری بین‌المللی ضروری است. به عبارت دیگر، چنین جنایات بین‌المللی آنچنان فجیع و مخرب قلمداد می‌شوند که اگر دولت ملی صاحب صلاحیت قضایی، صلاحیت کیفری خود مبنی بر تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان را اعمال ننماید و یا قادر به اعمال صلاحیت داخلی خود نباشد، هر دولت دیگری می‌تواند صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسؤول ارتکاب جنایات‌های بین‌المللی هستند، اعمال نماید (اصل صلاحیت جهانی).

از منظر جامعه بین‌المللی، برخی اقدامات از قبیل نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز به حدی شنیع و فجیع است که «جنایت بین‌المللی» قلمداد شده و تحت صلاحیت موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی قرار گرفته است. لیکن امروزه جرایم دیگری مانند آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی نیز هر روز بر نگرانی و تشویش جامعه بین‌المللی می‌افزاید. به نحوی که جامعه بین‌المللی در سال ۲۰۱۰ میلادی چهل و چهار میلیون بشکه نفت در روز مصرف نمود که این رقم در سال ۲۰۲۰ میلادی به چهل و نه میلیون بشکه در روز خواهد رسید. هم‌اکنون میزان آلودگی محیط زیست به ویژه محیط زیست آبی ناشی از مواد نفتی از طرق مختلف، سالانه قریب به پانصد تن نفت برآورد می‌گردد (نجفی اسفاد، دارابی‌نیا، ۱۳۹۰، ۹۴).

با این وجود، سازو کار به‌کارگیری توسعه صلاحیت قضایی برای مقابله با چنین جرایم بین‌المللی به دو صورت کلی قابل تصور است:

نخست اینکه، هر دولت به صورت مستقل و با تشخیص یک رفتار ارتكابی به عنوان جنایت بین‌المللی، صلاحیت کیفری خود را به بیرون از مرزها توسعه دهد و اعمال نماید که در این صورت با مخالفت دیگر دولت‌ها مواجه خواهد شد؛

دوم اینکه نهادهای بین‌المللی با تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی، سندی را که در آن جنایات بین‌المللی، حدود وظایف و شمول اختیارات و صلاحیت‌های دیوان احصا شده باشد، در قالب اساس‌نامه به تصویب برسانند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸، ۱۴) و سپس دولت‌ها با الحاق به اساس‌نامه مذکور، دیوان کیفری بین‌المللی را به عنوان مکمل صلاحیت محاکم کیفری خود به رسمیت شناسند. البته صرف عضویت کافی نیست و لازم نیست اساس‌نامه دیوان‌های بین‌المللی با قوانین داخلی دولت‌ها سازگاری داشته باشد. همچنین به منظور اجرایی ساختن تعهدات ماهوی و شکلی مندرج در اساس‌نامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه مورد نظر با تعریف عناصر و ارکان هر یک از آنها ضروری است.

هم اکنون ساز و کار دوم مورد قبول دولت‌ها قرار گرفته و اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی با الحاق حداقل تعداد لازم از دولت‌ها، از سال ۲۰۰۲ لازم الاجراء شده است. البته خسارت‌های مربوط به آلودگی زیست‌محیطی که جرایم ناشی از آلودگی نفتی را هم در بر می‌گیرد، می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق در قالب جنایت جنگی تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی مورد رسیدگی قرار گیرد. در عین حال، مشکلات جدی با توجه به اصول کلی فقهی و نیز اصول عمومی قانون اساسی در خصوص مشروعیت و مبانی صلاحیتی محاکم کیفری بین‌المللی و لزوم انطباق و یا عدم مغایرت قوانین و مقررات با موازین اسلامی نیز وجود دارد که اگر اشخاص حقیقی و یا حقوقی متبوع دولت جمهوری اسلامی ایران یا حتی در سرزمین آن در معرض تعقیب، رسیدگی و محاکمه چنین محاکمی قرار گیرند، وضعیت بغرنجی به وجود خواهد آمد. با توجه به چنین رویکردی نوشتار حاضر به بررسی مبانی استنباطی مشروعیت یا عدم مشروعیت قضاوت قضات غیرمسلمان دادگاه‌های بین‌المللی نسبت به بانیان آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی از منظر شرع مقدس اسلام می‌پردازد و ضمن بیان کلیاتی مشتعل بر مفهوم و برخی منابع آلودگی نفتی، صلاحیت قضایی بین‌المللی جهت رسیدگی به آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی را از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس این نوع صلاحیت را از منظر حقوق اسلامی نیز تبیین می‌نماید.

۲- مفهوم و منشأ آلودگی نفتی

تبصره ۲ ماده‌ی ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)، آلودگی زیست‌محیطی را چنین تعریف کرده است: «پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی

یا بیولوژیک آن را به نحوی که به حال انسان با سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد». در بند ۲ ماده‌ی ۲ کنوانسیون ۱۹۹۰ راجع به آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی، در تعریف این نوع آلودگی مقرر شده است: «هرگونه اتفاق یا مجموعه‌ای از حوادث که دارای منشاء یکسان بوده و منجر به ریزش نفت شده یا ممکن است بشود و محیط زیست دریایی یا خطوط ساحلی یا منافع مربوط به یک یا چند دولت را مورد تهدید قرار داده و یا ممکن است مورد تهدید قرار دهد و مستلزم اقدام اضطراری یا واکنش فوری دیگری باشد» (مشهدی، ۱۳۸۹، ۱۳۷).

نکته قابل توجه در تعریف آلودگی نفتی، اشاره به لزوم اقدام اضطراری و واکنش فوری دیگران (Brownlie Lan, Principles of Public International Law, 285) اعم از اشخاص حقیقی و یا حقوقی، شامل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که ویژگی‌های خطرناک‌بودن، گسترش‌یافتن در اندک زمان ممکن و تضرر به غیر را در سوانح مربوط به آلودگی نفتی مورد تأکید قرار می‌دهد.

افزون بر این، آلودگی نفتی از سه علت نشأت می‌گیرد که بیانگر ابعاد گسترده آلوده‌سازی به لحاظ دامنه جغرافیایی، سرعت سرایت و قدرت آمیختگی آن با محیط زیست است. پس از عملیات حفر چاه و اصابت آن به مخزن نفت، به دلیل فشار زیاد موجود در مخزن، جریان نفت به سوی دهانه خروجی چاه به شدت جریان می‌یابد (رضایی، ۱۳۸۴، ۴۵۶). در این مرحله معمولاً سعی می‌شود کنترل و مهار لازم اعمال شود، اما بنا به دلایل متعدد از جمله سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی؛ مقادیری از نفت در فوران اولیه و سپس به صورت متناوب در ادامه استخراج به طبیعت وارد می‌شود که با وجود نزدیک به چهار میلیون چاه نفتی در سراسر جهان، این آلودگی نفتی به ویژه در حوزه‌های آبی، آلودگی مستمر محیط زیست را در پی خواهد داشت.

نفت خام و فراورده‌های نفتی برای فروش، تصفیه و پالایش و یا مصرف جابجا می‌شوند. امروزه عمده‌ترین وسایل انتقال نفت، خطوط لوله و نفتکش‌ها می‌باشد. نفت خام دارای عناصر شیمیایی متنوعی است که به محض ترکیب با اکسیژن هوا فعال شده و خاصیت خوردگی زیادی پیدا می‌کند. در حال حاضر نیز دلیل عمده سرایت نفت از لوله‌های نفت و کشتی‌های نفتکش، فرسودگی ناشی از خوردگی در سیستم انتقال است و جلوگیری از ضایعه خوردگی، وظیفه‌ای است که باید در اسرع وقت مورد توجه قرار گیرد (میستر، ۱۳۸۹، ۱۳۹). لیکن با تعلل صاحبان نفتکش‌ها و پیمان‌کاران نفتی، همه روزه مقادیر متناوبی از نفت به دلیل تخریب جداره‌ی حامل‌ها ناشی از خوردگی، وارد محیط زیست می‌شود.

آلودگی شدید ناشی از نفتکش‌ها نیز عبارت است از غرق شدن کشتی‌های حامل نفت، سرایت انواع آلودگی نفتی از طریق انواع نفتکش‌ها و آلودگی محیط زیست در نتیجه بازیافت نفتکش‌های مستعمل. همچنین عدم رعایت استانداردهای ساخت و فرسودگی نفتکش‌ها، علت اصلی غرق شدن کشتی‌های حامل مواد نفتی است. تانکرهای نفتکش پس از تخلیه محموله نفتی، هنوز مقداری نفت در داخل مخازن خود دارند. بقایای محموله نفتی را باید به نحوی پیش از بارگیری محموله بعدی تخلیه کرد. یکی از راه‌های این کار، شست‌وشوی مخازن خالی با آب دریا است. افزون بر این، مخازن تانکرهای خالی برای پر کردن آب موازنه، جهت حفظ توازن تانکر هنگام حرکت نیز به کار می‌رود و این آب، آلوده به بقایای نفتی است که پیش از بارگیری محموله جدید بیرون ریخته می‌شود (چرچیل و آلن لو، ۱۳۸۴، ۳۸۴).

۳- صلاحیت مراجع قضایی بین‌المللی در رسیدگی به جرم آلودگی نفتی، از منظر

حقوق بین‌الملل

همانطور که در مقدمه اشاره شد جنایات بین‌المللی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که بسیار فجیع و شنیع است؛ به حدی که دغدغه جامعه بین‌المللی را در تعقیب و مجازات مرتکبان آن برانگیخته است.^۱ افزون بر این، آن چه مسؤولیت کیفری بین‌المللی را از سایر شقوق مسؤولیت متمایز می‌سازد، تعهداتی است که نه در مقابل دولت‌ها به صورت انفرادی، بلکه در برابر جامعه بین‌المللی وجود دارد (زمانی، ۱۳۸۱، ۴۰). از منظر حقوق بین‌الملل، چنانچه اثبات شود آلودگی ناشی از مواد نفتی بسیار زیانبار است و تبعات سوء جبران‌ناپذیر و بلندمدتی را بر زیست سالم جامعه بین‌المللی وارد می‌آورد و ادامه حیات طبیعی را به طور اساسی تهدید می‌کند، در صورت فرض عمدی بودن فعل ارتكابی، می‌توان آن را در زمره جنایات بین‌المللی محسوب نمود. در این صورت، عدم رسیدگی به آن در دادگاه‌ها یا مراجع قضایی داخلی، موجبات صلاحیت کیفری بین‌المللی را فراهم می‌سازد؛ چرا که امروزه حفظ محیط زیست از منافع اساسی جامعه جهانی

۱. بنا بر تعریف دادگاه نظامی ایالات متحده در نورنبرگ، «جنایت بین‌المللی» رفتاری است که به عنوان یک عمل مجرمانه مورد تأیید جهانیان بوده و چنان مسأله حادی محسوب می‌شود که مورد اهتمام جامعه بین‌المللی است (کیتی شیایزی، ۱۳۸۳؛ ۱۳). عمل مجرمانه حاد مذکور، هم‌چنان که در ماده ۲ قواعد مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها مقرر شده است، می‌تواند ناشی از نقض تعهد بین‌المللی یک دولت (کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ۱۳۸۷، ۳۵) و نیز ناشی از نقض حقوق بشردوستانه باشد (Henckaerts, 2005).
 ۱۴۷. مشابه این مضمون در مقدمه اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز آمده است؛ مبنی بر اینکه، آن دیوان در صدد تعیین کیفر برای فجیع‌ترین جنایاتی است که نگرانی و تشویش جامعه بین‌المللی را در پی داشته باشد (محمدنسل، ۱۳۸۵، ۱۲).

محسوب می‌شود و در ماده ۱۹ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح شده است که: «چنانچه هر دولت تعهدی را که کل جامعه بین‌المللی برای حفظ منافع اساسی خود حیاتی تلقی می‌کند نقض نماید، مرتکب جنایت بین‌المللی شده است. آن چه این فعل را به یک جنایت بین‌المللی مبدل می‌سازد، تاثیر زیانبار آن بر کل جامعه بشری است» (دو پویی، ۱۳۶۹، ۲۷۷). بر اساس این ماده، آلودگی محیط زیست در صورتی می‌تواند جنایت بین‌المللی قلمداد شود که دارای دو شرط باشد. نخست، نقض شدید تعهدات بین‌المللی محسوب شود؛ دوم، تعهد بین‌المللی نقض شده دارای اهمیت اساسی برای حفاظت از محیط زیست باشد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۲۶ طرح جنایت علیه صلح و امنیت بشری اعلام نمود: «هر کسی که عمداً باعث ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی شود و یا دستور انجام آن را صادر کند، در صورت اثبات، محکوم خواهد شد»^۱. لذا ضمن تلفیق مواد ۱۹ و ۲۶ با اقتباس از دو طرح مجزای کمیسیون حقوق بین‌الملل، این نتیجه حاصل می‌شود که آلودگی نفتی با وجود شرایط زیر جنایت بین‌المللی محسوب می‌گردد:

۱- تعمدی باشد؛

۲- حفاظت از محیط زیست به طور اساسی نقض شده باشد؛

۳- خسارات وارده گسترده، شدید و پایدار باشد.

همچنین به استناد ماده ۵ اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی که صلاحیت دیوان را به شدیدترین جنایات‌های مورد دغدغه جامعه بین‌المللی معطوف می‌داند و مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ اساس‌نامه که شرایط اصلاحات و بازنگری را در خصوص اساس‌نامه دیوان مقرر داشته است، آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی را با توجه به گستره جهانی آن و خسارت شدید به محیط زیست، به‌ویژه در حوزه آبی و با لحاظ قیودات برشمرده شده به ویژه تعمدی بودن، می‌توان در حکم و هم‌ردیف جنایات اصلی مندرج در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی محسوب نمود که قابل تعقیب از سوی محکمه کیفری بین‌المللی است.

۳-۱- لزوم قضاوت توسط قاضی واجد شرایط

با توجه به اینکه قضاوت یکی از مباحث مهم و ضروری فقه و حقوق محسوب می‌شود، شرایط قاضی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. از جمله شرایطی که برای صلاحیت قاضی، خصوصاً در فقه حائز

۱. پیش نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری، ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۱.

اهمیت دانسته شده است، اجتهاد می باشد که مورد اختلاف هم است. افزون بر این، پذیرش صلاحیت قضایی بین‌المللی برای رسیدگی به جرم آلوده‌سازی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی نیازمند شرایط ماهوی و شکلی است. از جنبه ماهوی، موضوع انطباق یا تعارض مجازات‌ها با موازین شرعی قابل طرح است. همچنین برخی مسائل شکلی مربوط به نوع تعقیب، محاکمه، موازین دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و شبهه مغایرت شرعی آن‌ها، امکان دادخواهی نزد قاضی غیر مسلمان، پذیرفتن حکم صادره از سوی آنان و اجرای آن می‌باشد که با پذیرش آن در این زمینه، راه برای اعمال صلاحیت قضایی قضات غیر مسلمان بر مسلمین باز می‌شود. این امر متضمن سلطه و سیل غیرمسلمان بر مسلمان است که لازم است این موضوع مهم با توجه به منابع اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱-۱- کتاب

قرآن کریم که مهم‌ترین منبع برای استنباط احکام شرعی است می‌فرماید: «آیا ندیدی کسانی را که می‌پندارند آن چه به سوی تو نازل شده و آن چه پیش از تو نازل گشته ایمان دارند، ولی می‌خواهند داوری را نزد طاغوت برند، حال آن که دستور یافته‌اند به آن کافر شوند، ولی شیطان می‌خواهد آنها را به گمراهی اندازد». این نهی شدید در حالی است که امر داوری به اهل کتاب سپرده شده بود (خزاعی نیشابوری، ۱۳۷۸، ۴۱۶ - ۴۱۵). در تفسیر معنی طاغوت در این آیه، روایتی از امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «معنی طاغوت دلالت بر عموم دارد و مراد هر حاکمی است که بر خلاف حق حکومت کند». برخی این تفسیر را اولی‌تر دانسته و در توجیه آن به نفع عموم استناد کرده‌اند (همان، ۴۱۶). تحریم مقید در این آیه، ناظر بر اصل درخواست قضاوت (مرافعه) از طاغوت است و به ضلالت به عنوان نتیجه عمل به رای صادره توسط طاغوت نیز دلالت دارد. در این خصوص گفته شده است: دلالتی هست بر این که طاغوت نتیجه اغواء و القای شیطان است و نتیجه‌اش گمراهی می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۲۵۸-۲۵۶).

در قرآن کریم آیات مبارکه دیگری ناظر بر ماهیت احکامی است که می‌بایست در موقع صدور رای توسط قاضی لحاظ شود. برای نمونه می‌فرماید: «و در تورات بر آنها مقرر داشتیم که جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و زخم‌ها را قصاص باید کرد و هر که از قصاص در گذرد، آن کفاره گناهان او خواهد بود و هر که مطابق آیات الهی داوری

نکند، از ستمکاران است». استفاده از کلمات «ضاللت» و «ظالم» در آیات مذکور، در مقام نتیجه پذیرش قضاوت مغایر با آیات الهی، تأمل برانگیز و مصرح است. همین نهی و انذار در آیات دیگری از سوره‌ی مبارکه مائده نیز آمده است که آنها بر لزوم صدور حکم مطابق با «بما انزل الله» دلالت دارد و هر حکمی که مستنبط از «بما انزل الله» نباشد، فاقد مشروعیت و اعتبار است (خزاعی نیشابوری، ۱۳۷۸، ۳۶۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۶، ۵۵۵-۵۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ۳۹۴-۳۹۱). لذا با توجه به اینکه قضات دادگاه بین‌المللی متعهد و مقید به صدور حکم منطبق با احکام شریعت اسلام نمی‌باشند، دادخواهی از آنان نامشروع و آراء صادره از ناحیه آنان نیز لازم‌الاتباع نمی‌باشد.

۳-۱-۲- روایات

روایات نیز در باب قضا، بر ضرورت نصب قاضی مشروع دلالت دارند. از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت است که: «ایاکم ان يحاکموا بعضکم الی اهل الجور و لکن انظروا الی رجل منکم یعلم شیئاً من قضایانا فاجعلوه بینکم فانی قد جعلته قاضياً فتحاکموا الیه» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۴:۱، طوسی، ۱۳۶۵، ۲۱۹؛ قمی، ۱۴۱۳، ۲؛ کلینی، ۱، ۴۱۲). از این روایت استنباط می‌شود که مرافعه نزد اشخاصی که به احکام شریعت آگاهی ندارند، مجاز نیست و از اینگونه اشخاص که بدون علم به احکام اسلامی به قضاوت می‌پردازند، به «اهل جور» تعبیر گردیده است.

در حدیث دیگر، قضات ناآشنا به حلال و حرام الهی «فاسق» خوانده شده‌اند. امام علیه‌السلام در این روایت صحیح، مرافعه به قصد فصل خصومت و دادخواهی برای حل اختلاف در اخذ و عطا را نزد افراد ناآگاه به احکام شریعت، به دادخواهی نزد اهل فسق تعبیر فرمودند.

الف) شرایط نصب قاضی در فقه امامیه

داوری و قضاوت امری است سترگ که گاه محملی می‌گردد تا ناپالودگی‌های جامعه بشری را بزدايد. از همین رو، در فقه امامیه، جایگاه ارزشمندی برای قاضی تعیین شده است و نصب و استقرار قضات در این جایگاه حساس با شروط و خصوصیات خاصی همراه گشته است. با نگرش در متون فقهی و روایات و احادیث پیامبر (ص)، معصومین (ع) و سخنان بزرگان، همگی حکایت از پر اهمیت بودن این منصب دارد (زعفری، پنجه پور، عابدینی، ۱۳۹۷، ۳۹۵). هر یک از فقهای امامیه شرط خاصی را غیر از شرایط عمومی

قاضی همانند بلوغ و عقل، مشخص نموده‌اند. از جمله این شرایط، لزوم اذن امام به فقیهان برای قضاوت در زمان غیبت (حلبی، ۱۴۰۱، ۵۵؛ محقق حلی، ۱۳۶۸، ۲، ۳۰۲)، حرام بودن مراجعه به قاضی جور (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۲۳۴) واجب بودن مراجعه به فقیه جامع‌الشرایط برای داوری (جبعی عاملی، ۱۴۰۱، ۱، ۶۶؛ جبعی عاملی، بی‌تا، ۲، ۲۸۳) و شرط اجتهاد و بسنده بودن اجتهاد غیر فراگیر (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۱، ۷) است. تمامی شرایط مذکور مؤید لزوم قضاوت و فصل خصومت توسط امام معصوم و یا مآذون از ناحیه معصوم است که عالم به حلال و حرام آنها است و حرمت مراجعه برای دادخواهی نزد افرادی غیر از آنان ثابت است.

در توسعه مسؤولیت قضایی به قضات بین‌المللی برای رسیدگی به برخی از جرایم، امکان نصب واجدین شرایط برای قضاوت موجود نیست و آیین دادرسی دیوان بین‌المللی، نیز امکان دادرسی شرعی را فراهم نمی‌آورد.

ب) توصیف قضات جور

بنا به اجماع فقهای شیعه و عامه، یکی از شرایط قاضی، ایمان است. رجوع به قاضی کافر بنا به ادله خاص و همچنین به استناد قاعده نفی سبیل ممنوع است. افزون بر این، مراجعه به قضاوت کافر نوعی رکون به کفار است و رکون به کفار، بنا به آیه شریفه «و لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار» و قاعده فقهی «رکون» ممنوع است (محقق داماد، ۱۳۹۰، ۴۷۳). در واقع، «قضات جور» به صاحبان احکامی اطلاق شده که واجد شرایط قضاوت برابر فقه امامیه نیستند، اما در منصب قضاوت قرار داشته و صاحب حکم هستند. بر این اساس، شرایط قضاوت را «البلوغ و العقل و الایمان و العداله و الاجتهاد المطلق و الذکوره و طهاره المولد و الاعلمیه» ذکر شده است (موسوی خمینی، ۱۴۰۸، ۲، ۸۴). از مجموع مطالب فوق چند نکته استخراج می‌شود:

نخست، در حکم یادشده افزون بر تحریم سپردن ترافع به قاضی جور، تجویز نیز ملاحظه می‌شود. موضوع مورد بحث این است که آیا تجویزی که متوقف بر استیفای حق باشد، به موارد مشابه قابل تعمیم است و می‌توان با توسل به قاعده استیفای حق و اثبات حرج در عدم اخذ آن، به قضات جور مراجعه نمود؟ پاسخ این است که هر چند «حق» می‌تواند اعم از دینی و عینی باشد، اما طبق این نظر، وضعیت دین از وضعیت عین منفک می‌شود و تجویز محدود به استیفای حق عینی است؛ آن هم به شرطی که «اذا کان

فی ترکه حرج». لذا تعمیم، محدود به استیفای حق عینی است، نه استیفای حق به طور عام؛ هر چند که عدم استیفاء همراه با حرج باشد.

دوم، قاعده «وجوب التخلیه بین المال و مالک» در رفع بدون وقفه مال غیر از ید غاصب، مقوم حکم امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله است؛ زیرا تصرف بدون مجوز در مال غیر، حدوثاً و بقاءً ممنوع و حرام است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ۳۳۵). وجوب تخلیه اقتضاء دارد که اگر شخصی از روی اختیار یا اضطرار بر مال دیگری استیلاء یابد، باید فوراً مال را در اختیار صاحبش قرار دهد و چنانچه رد مال توسط قاضی جور نیز صورت گیرد، شارع مقدس قبض آن را توسط صاحب مال مجاز می‌داند؛ هر چند در عدم قبض آن حرجی بر صاحب مال وارد نیاید.

سوم، استثنای مقید در حکم مندرج در تحریرالوسیله مبنی بر جواز مراجعه به قضات فاقد شرایط، ممنوعیت قبول صلاحیت قضات دیوان بین‌المللی را بر طرف نمی‌سازد؛ زیرا هر چند ممکن است دولت ایران و به تبع آن اشخاص زیان‌دیده از آلودگی‌های فرامرزی قادر به رسیدگی قضایی نسبت به مجرمان نشوند و از این حیث دچار حرج گردند، اما از آنجا که قضات مذکور لزوماً به استیفای حق عینی نمی‌پردازند، بنابراین توسل به این حکم در تجویز پذیرش صلاحیت قضات دادگاه بین‌المللی اساساً منتفی است.

با استناد به آیات و روایات متواتره، شأن و منصب قضاوت منحصر به مقام معصوم یا مقام ماذون و منصوب از ناحیه معصوم است و فقهای امامیه نیز شرایط آن را به نحو مبسوط بیان داشته‌اند. در غیر از موارد مذکور، قضات منصوب، اهل جور، فاسق و طاغوت معرفی گردیده‌اند. همچنین لازمه پذیرش و اعطای صلاحیت قضایی بین‌المللی به منظور بهره‌مندی از امکان تعقیب و مجازات بانین آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی در سراسر جهان، پذیرش صلاحیت قضاتی است که به منصب قضاوت در دادگاه کیفری بین‌المللی با شیوه خاصی که در آیین دادرسی همان دیوان مقرر شده است، منصوب می‌شوند و از آنجا که قضات مذکور واجد شرایط مقرر در فقه اسلامی نمی‌باشند، لذا دادخواهی از آنان جایز نیست و به طریق اولی، حکم صادره از سوی آنها نیز معتبر و نافذ نمی‌باشد.

افزون بر این، بسیاری از موافقت‌نامه‌های مربوط به معاضدت قضایی بین جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های دیگر و حتی دولت‌های اسلامی، که در آنها بر اساس عمل متقابل، تصمیمات قضایی کشور مقابل معتبر شناخته شده است، از سوی شورای نگهبان خلاف شرع اعلام و نهایتاً موضوع به مجمع

تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردیده است، در تمامی موارد هم مجمع مزبور، مصلحت را در تصویب موافقت‌نامه اعلام کرده است (موسی‌زاده؛ امینیان، ۱۳۹۰، ۴۳۱).

۳-۲- پذیرش صلاحیت قضات بین‌المللی با اتکا به نظریه «مصلحت»

احکام حکومتی که برای اداره جامعه اسلامی امری مهم است از احکام اولیه اسلام است که بر مبنای مصلحت برای حفظ نظام اسلامی، تداوم و استحکام آن، احکام حکومتی جاری می‌شود. فقهای شیعه مسئله حفظ دین و جلوگیری از خطرهایی که اسلام را تهدید می‌کند امری خطیر و اساسی می‌شمارند. در عصر حاضر، امام خمینی (ره)، مصلحت حفظ دین را قاعده‌ای زیربنایی در فقه سیاسی و حکومتی اسلام، مطرح کردند که به عنوان یک واجب عقلی و ضرورت شرعی، بی‌نیاز از دلیل است و تردید در آن شایسته نیست (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ۲، ۲۶۴). بنابر نظر فقهای شیعه، احکام اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد، وضع شده است. مقصود این است که جعل احکام توسط شارع مقدس بر پایه جلب مصلحت و دفع مفسده است. احکام برای انسان جعل می‌شود؛ پس مقصود از جلب مصلحت و دفع مفسده پایه آنها هم با انسان لحاظ می‌شود. بنابراین، جعل احکام شرعی بر پایه جلب مصلحت و دفع مفسده انسان‌ها است. احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد در متعلق می‌باشند و حاکم اسلامی در چارچوب مصلحت‌سنجی به جعل احکام می‌پردازد. از این رو برخی از حقوق‌دانان معتقدند پیوستن یا نپیوستن به اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی، عمدتاً حول محور «مصلحت» سیر می‌کند؛ یعنی باید تبیین کنیم که آیا مصالح ما، همانند لزوم به کیفر رساندن بانیان آلودگی زیست‌محیطی و جنایتکاران بین‌المللی که همکاری همه دولت‌ها را می‌طلبد، پیوستن به اساس‌نامه دیوان بین‌المللی را ایجاد می‌کند یا خیر. این تصمیم، منافع و مضاری را هم در پی خواهد داشت که باید مورد ارزیابی قرار گیرد (صادقی، ۱۳۸۸، ۲۴۸). لذا در این مبحث، موضوع دادخواهی کیفری از دیوان بین‌المللی که لازمه آن، پذیرش صلاحیت قضایی دادگاه (قضات) بین‌المللی است، با توجه به مصلحت‌سنجی در جامعه اسلامی بررسی می‌شود.

۳-۲-۱- منابع فقهی مصلحت

مصلحت از ماده صلح، بر هر آن چه که سبب صلاح شود صدق می‌کند. در تعریف مصلحت گفته‌اند: «الاصلاح نقیض الافساد و المصلحه: الصلاح» (ابن منظور، ۱۳۸۲، ۵۰۲). در این تعریف مصلحت به

معنای بهبود بخشیدن، مخالف تباه کردن و شایستگی است. بنا به تعریف دیگر، مصلحت عبارت است از: «الصالح ضد الفساد، تقول صلح الشيء يصلح صلوحاً» (جوهری، ۱۴۰۷، ۲۴۵۰۰؛ فیومی، ۱۴۰۵، ۵۴۳). این تعریف مصلحت را در برابر مفسده قرار می‌دهد. در تعریف دیگر این اصطلاح مترادف با منفعت معنا شده است (بستانی، ۱۴۰۵: ۵۱۵)، اما صاحب جواهر نکته ظریفی را در این خصوص بیان می‌کند: «یفهم من الاخبار و کلام الاصحاب، بل ظاهر الكتاب ان جميع المعاملات و غيرها انما شرعت لمصالح الناس و فوائدهم الدنیویه و الاخریویه مما تسمى مصلحه و فائده عرفاً» (نجفی، بی‌تا، ج ۱، ۳۴۴). از اخبار و سخنان فقیهان، بلکه ظاهر قرآن این معنی مستفاد می‌شود که همه داد و ستدها و غیر داد و ستدها، برای مصالح و سودهای دنیوی و اخروی مردم، یعنی آن چه به نظر عرف، مصلحت و سود نامیده می‌شود، تشریح شده است. در این معنی وسیع، آن چه مطمح نظر قرار می‌گیرد، مصلحت جامعه و نظام اسلامی است و به تبع آن است که بیع و شراء و مانند آن وضع و تشریح می‌شود و امر قضاوت و تعیین قاضی نیز از لوازم آن می‌باشد.

خداوند متعال در موارد متعددی از بیان نسخ حکم شرعی که مصلحت در خاتمه دادن به آن بود، ابایی ندارد و صریحاً نسخ آن را متذکر می‌شود؛ آنجا که می‌فرماید: «هر حکم و آیه‌ای را که نسخ کنیم یا نسخ آن را به تاخیر اندازیم، بهتر از آن یا همانند آن را می‌آوریم». امام رضا علیه‌السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: نسخ آیات ریشه در مصلحت منقضی و اقتضای مصلحت جدید دارد، همانند آیه ۱۸۷ سوره‌ی مبارکه بقره که می‌فرماید: «احلّ لكم ليله الصيام الرفث الی نسائکم هنّ لباس لکم و انتم لباس لهنّ علم الله انکم کنتم تختانون انفسکم فتاب علیکم و عفا عنکم فالن بشر وهن و ابتغوا ما کتب الله لکم و کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابيض من الخیط الاسود من الفجر...». از کلمه «فالن» مستفاد می‌شود که اجازه مذکور از زمان معینی بنا بر مصلحت اعطا گردید. بدین شرح که یقیناً این امر به معنی وجوب نیست، بلکه اجازه‌ای است پس از ممنوعیت که در اصطلاح اصولیون «امر عقیب حظر» نامیده می‌شود و دلیل بر جواز است. جمله «و ابتغوا ما کتب الله لکم» اشاره به این است که استفاده از این توسعه و تخفیف که در مسیر قوانین آفرینش و حفظ نظام و بقای نسل است، مانعی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۷۳۱-۷۳۳).

علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «بر حاکم واجب است که نظم را در جامعه به وجود آورد، عزت بخش دینشان و حافظ مصالح (منافع) آنان باشد». در این روایت، دو اصطلاح «دین» و «مصلحت»

به نحوی قرین یکدیگر آورده شده است که مکمل یکدیگر باشند. نزدیک به همین مضمون و معنا را از علی ابن موسی الرضا علیه السلام روایت کرده‌اند. طبق این احادیث، همان‌گونه که حلال بودن برخی امور از طرف خداوند بنا بر صلاح و بقای عباد صورت پذیرفته است، حاکم اسلامی نیز اگر بقای عباد را مقتضی بداند و جلوگیری از فنا و هلاک لازم باشد، می‌تواند احکامی را از سوی مصلحت جعل کند. امام موسی کاظم علیه السلام در روایتی دلیل می‌آورد که بنا بر مصلحت، تن به ازدواج داد و اگر خوف قطع نسل امیرالمومنین نبود، هیچ گاه راضی بدان نمی‌شد.

۳-۲-۲- مصلحت از دیدگاه فقهای امامیه

مصلحت به دلیلی که بر اهل فن پوشیده نیست در فقه اهل سنت، از اهمیت بیشتری برخوردار است، تا جایی که اصولیان ایشان، بابت به نام «مصلح مرسله» گشوده‌اند و شماری از فقهای ایشان مانند مالک، آن را معتبر دانسته‌اند و آن را دلیلی از ادله شرعی شمرده‌اند و احکامی نیز بر آن استوار نمودند. با وجود این، هیچ کدام از فقها و اصولیان شیعه، مصلحت را مصدر فقهی مستقل و منبع استنباط، در کنار دیگر منابع، در نظر نگرفته‌اند. البته مواردی که در کلمات فقها، برخلاف این مدعا یافت می‌شود، به راحتی توجیه می‌شود، زیرا در برخی از این موارد، طرح مصلحت، تنها برای تقویت استدلال یا استدلال‌هایی است که از کتاب و سنت سرچشمه گرفته است. این ویژگی فقه شیعه، در نوشته‌ها و آرای فقهی امام خمینی (ره) نیز به خوبی دیده می‌شود؛ مصلحت در هیچ کدام از آثار ایشان، دلیل و مصدر استنباط در کنار دیگر مصادر شرعی نیامده، هر چند ایشان به دلیل تاسیس حکومت اسلامی و تصدی اداره جامعه و مواجه شدن با تراحمات، مشکلات عینی و گره‌های اجرایی، مصلحت را بیش از دیگر فقها به دلیل اقتضای طبیعت احکام شرعی، در جایگاه اجرا و امثال به کار برده است. با این حال، قاعده مصلحت در فقه شیعه، مبتنی بر نظریه فقهی احکام حکومتی است که بسیاری از فقها آن را در اجرای امانت نیایی در زمان غیبت پذیرفته‌اند و به تعبیری دقیق‌تر، اسلام مبانی، اصول، ارزش‌ها و چارچوب‌های ضابطه‌مندی برای سامان دادن مصلحت ارائه داده است که قابلیت سامان یافتن تحت قواعد کلی را دارد و به سه شکل احکام حکومتی، احکام اولی و احکام دنیوی در فقه شیعه تبلور یافته است (قدیر و ساریخانی، ۱۳۹۰، ۷۳). اما در مورد شرایط قاضی بنا بر عقیده صاحب جواهر، نصب «شریح» که تمام شرایط قضاوت را جمع نداشت، توسط حضرت علی علیه السلام بنا به مصلحت صورت گرفت. شیخ طوسی هنگام بحث از «اراضی مفتوح العنوه»

همین اختیار را برای حاکم اسلامی قائل است. محقق حلی نیز نزدیک به همین تعبیر را در باب جهاد برای امام (حاکم اسلامی) عنوان می‌کند. جهاد واجب کفایی است، مگر اینکه امام علیه‌السلام برابر مصلحت آن را بر عهده‌ی شخص یا اشخاصی قرار دهد.

وسعت اختیار حاکم اسلامی در نصب قاضی فاقد شرایط و امکان هزینه از بیت‌المال، تصرف در اراضی و تکلیف جهاد برای اشخاص و امثال آن برای «حفظ نظام» است که در دو معنی به کار می‌رود؛ معنی نخست، حفظ حاکمیت اسلامی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن آن به دست دشمنان داخلی و خارجی اسلام است؛ و مقصود دوم، حفظ آراستگی در درون جامعه‌ی اسلامی و به سامان کردن بین مردم، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است. حفظ نظام به این معنا در برابر از هم گسیختگی و هرج و مرج به کار برده می‌شود؛ امام خمینی (ره) نیز جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظام به معنای دوم را یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت می‌داند. وظیفه جلوگیری از اختلال در امور مسلمین، برای حاکم از باب رعایت مصلحت جامعه و سد هرج و مرج حیطة‌ی بسیار وسیعی را می‌گشاید که نه تنها امور مستحدثه را در بر می‌گیرد، بلکه هر آنچه حاکم اسلامی برای حفظ نظام مصلحت می‌داند را شامل می‌شود. امام می‌تواند کاری را که به صلاح مسلمانان است انجام دهد؛ مانند پایین نگاه داشتن قیمت‌ها یا صنعت، محدود کردن تجارت یا غیر آن.

بر اساس آن چه گذشت، مصلحت نظام از عنوان‌های ثانوی محسوب می‌شود. در پاره‌ای امور مانند نرخ‌گذاری کالاها، حکم اولیه، جایز نبودن است؛ اما به علت برابری عنوان مصلحت نظام بر آنها و صدور حکم حاکم اسلامی بر اساس آن، اجرای آن واجب است. قرار دادن احکام حاکم اسلامی در ردیف عناوین ثانوی، بدین معنا نیست که این احکام را ثانوی، به معنای متداول آنکه یکی از دو قسم حکم شرعی است بدانیم، بلکه این‌گونه احکام، حکومتی‌اند که در صادر شدن آنها از عنوان‌های ثانوی بهره گرفته شده است. کسانی که «حفظ نظام» را از عنوان‌های ثانوی بر شمرده‌اند، به مصلحت حفظ نظام توجه داشته‌اند؛ گرچه حفظ نظام از عناوین اولیه است (کلاتری، ۱۳۷۶، ۲۲۷).

چنانچه حفظ نظام را حکم اولیه بدانیم، احکام حاکم اسلامی که از روی مصلحت اصدار می‌یابد، واجب است؛ زیرا قبول و اجرای حکم مصلحتی حاکم اسلامی از مقدمات و لوازم اجرای حکم اولیه شارع در وجوب حفظ نظام است. در این خصوص به عقیده برخی، احکام در دو دسته قرار می‌گیرد. نخست، احکامی که بر اثر احتیاجات تکوینی وضع شده است؛ و دوم، مقرراتی که حاکم اسلامی طبق مصلحت وضع

می‌نماید و این نوع از مقررات در بقا و زوال خود تابع مقتضیات بوده و با تغییر مصالح و مفاسد، تغییر و تبدل پیدا می‌کند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ۱۸۱). بنابراین، به نظر می‌رسد در معاهدات بین‌المللی امروز که کشورهای مختلف از مسلمان و غیر مسلمان مشارکت دارند و قواعد و ضوابطی را با تفاهم یکدیگر و بر مبنای منافع متقابل یکدیگر تنظیم می‌کنند و منافع آن را تشخیص می‌دهند و در مقابل یکدیگر تعهد به انجام آنها می‌نمایند و سازوکارهای روشنی نیز برای اجرای آن مقرر می‌کنند، به صرف اینکه برخی از دست اندرکاران اجرای این ترتیبات موافقت شده بین‌المللی غیرمسلمان هستند، سلطه کافر بر مسلمان که مورد نظر آیه شریفه قرآن است و ثقل بحث این نوشتار می‌باشد، محقق نمی‌شود و مشمول آن قرار نمی‌گیرد. حال به فرض هم که نفی حکم تشریحی سلطه آور از آیه استفاده شود، این مورد و بسیاری از موارد مربوط به احکام حقوقی با وضعیتی که تشریح و بیان شد، از مصادیق جعل سلطه کافر بر مومن به حساب نمی‌آید و در صورتی که ثابت شود قبول مبنی بر صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی، منافع و مصالحی برای دولت و جامعه دارد و بر این نوع همکاری‌ها مزایایی نیز مترتب است، دست کم روشن خواهد بود که مصلحت در پذیرش آن است. افزون بر این، جای دارد خاطر نشان گردد که رویه کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران بر این بوده است که سلطه قضایی محاکم بین‌المللی متشکل از قضات مسلمان و غیر مسلمان پذیرفته شود. در اینجا می‌توان به پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری از سوی جمهوری اسلامی ایران و طرح شکایت به عنوان «خواهان» نزد دیوان مذکور در قضایای «حادثه هوایی» (حمله آمریکا به ایرباس) و «سکوهای نفتی» اشاره کرد. لذا چنانچه حاکم اسلامی تشخیص دهد که تعقیب و به کیفر رساندن مجرمان بین‌المللی و امکان دسترسی به آنها، منحصر به پذیرش و قبول قضاتی است که واجد شرایط قضاوت نیستند یا بدون همکاری با دستگاه قضایی بین‌المللی، خوف این باشد که آلوده سازی محیط زیست در محدوده پاک و سرزمین آن کشور، حیات انسانی و نباتی ساکنان را در معرض تباهی قرار دهد، حاکم اسلامی می‌تواند از باب حکم حکومتی، صلاحیت قضایی بین‌المللی را بپذیرد.

۴- نتیجه گیری

به نظر می‌رسد که از دیدگاه حقوق بین‌الملل، برای اعطای صلاحیت قضایی بین‌المللی جهت رسیدگی قضایی به جرم آلوده‌سازی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی، باید اثبات نمود این رفتار واجد وصف جنایت

فجیع بین‌المللی است «فجیع و شدیدبودن» و «تشویش و نگرانی جامعه بین‌المللی را در پی داشتن» به عنوان دو خصیصه اصلی جنایت بین‌المللی است و آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی به دلیل حجم وسیع، سمی بودن ماده منتشره، انتقال فرامرزی و خسارات غیر قابل برگشت به محیط زیست، واجد هر دو خصیصه است، لذا از منظر حقوق بین‌الملل می‌توان قائل به اعطای صلاحیت قضایی بین‌المللی در رسیدگی به جرم بانیان آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی شد.

جمهوری اسلامی ایران نیز که عضو اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری است و در بسیاری از معاهداتی که عضویت دارد در آنها شرط صلاحیت دیوان‌های بین‌المللی و داوری در صورت پدیدار شدن اختلافات قید شده است. در عین حال، از دیدگاه حقوق اسلامی و مبانی شرعی، اصل لزوم قضاوت توسط قاضی مسلمان واجد شرایط جاری است و رای صادره می‌بایست مطابق با «بما انزل الله» باشد. حجیت داشتن شرایط قاضی نزد فقهای امامیه به حدی است که با فقدان یا حذف بعضی شرایط، قضات متصف به «اهل جور»، «اهل فساد» و «طاغوت» می‌شوند و حکم صادره از ناحیه آنان معتبر نخواهد بود. قضات دادگاه بین‌المللی، بعضاً یا جمعاً، شرایط لازم را برای قضاوت نداشته و خود را مقید به صدور حکم مطابق شریعت اسلام نمی‌دانند، از طرف دیگر، پذیرش صلاحیت قضایی بین‌المللی، به معنای قبول و اجرای رای قضات فاقد شرایط است. لذا پذیرش صلاحیت قضایی بین‌المللی با منع شرعی مواجه است. البته چنانچه پذیرش صلاحیت قضایی بین‌المللی برای تعقیب و به کیفر رساندن بانیان آلودگی زیست‌محیطی ناشی از مواد نفتی برای نظام اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار باشد که موجودیت و یا ادامه بقای آن را در معرض خطر قرار دهد و استمرار چنین جنایاتی سلامت آحاد جامعه اسلامی را تهدید نماید، به منظور محافظت از حکم اولیه که وجوب حفظ نظام است، و از باب مصلحت می‌توان حکم قاضی فاقد شرایط را نیز پذیرفت. حکم به پذیرش رای قاضی فاقد شرایط قضا، حکم حکومتی است که برای دوام و بقای حکم اولیه یعنی حفظ نظام اسلامی صادر می‌شود. در مورد اعمال صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی در خصوص جرم آلودگی نفتی نیز، اگر مصلحت‌سنجی‌ها به این نتیجه برسد که رسیدگی به چنین جنایتی توسط دادگاه‌های بین‌المللی، مصالح و منافی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد، همانند قراردادهای دوجانبه و پذیرش مشروعیت ارجاع اختلافات به داوری افراد غیر مسلمان، مجاز خواهد بود.

فهرست منابع

- ۱- امام خمینی (ره)، روح الله، (۱۳۶۸)، کتاب البیع، جلد ۲، اسماعیلیان، قم.
- ۲- ابن منظور، ابی فضل جمال الدین محمد ابن مکرم، (۱۳۸۲)، لسان العرب، جلد ۱، دائره المعارف بزرگ اسلامی، قم، چاپ نخست.
- ۳- بستانی، معلم بطرس، (۱۴۰۵)، محیط المحيط، بیروت، مکتبه لبنان، قم، چاپ سوم.
- ۴- بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۹۰)، قواعد فقه، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، چاپ دوم.
- ۵- پی‌یر ماری، دوپویی، (۱۳۶۹)، ملاحظاتی پیرامون جرم بین‌المللی دولت، «برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۳، تهران.
- ۶- جبعی عاملی، زین الدین محمد (شهید ثانی)، (۱۴۰۱)، فی شرح اللمعه دمشقیه، جلد ۲، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.
- ۷- جبعی عاملی، زین الدین محمد (شهید ثانی)، (۱۴۰۳)، مسالک الافهام، جلد ۱، دارالهدی، چاپ دوم.
- ۸- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷)، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ دوم.
- ۹- چرچیل، رابین، لو، آلن، (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل دریاها، برگردان: بهمن آقایی، گنج دانش، تهران، چاپ سوم.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ نخست.
- ۱۱- حلبی، ابوصلاح، (۱۴۰۱)، ینابیع الفقهیه، گردآوری: علی اصغر مروارید، شماره جلد ۱، فقه الشیعه، بیروت، چاپ پنجم.
- ۱۲- خزایی نیشابوری (ابوالفتوح)، حسین بن احمد، (۱۳۷۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش: محمد جعفر یاحقی و محمد ۱۲. مهدی ناصح، آستان قدس، مشهد، چاپ دوم.
- ۱۳- رضایی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، زمین‌شناسی نفت، فرهیختگان علوی، تهران، چاپ اول.
- ۱۴- زمانی، سید قاسم، (۱۳۸۱)، «توسعه مسؤولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال نخست، شماره ۱.
- ۱۵- طباطبایی، محمدحسین، (بی‌تا)، بررسی‌های اسلامی، به کوشش: هادی خسروشاهی، جلد دوم، دارالتبلیغ اسلامی، قم.
- ۱۶- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۴۴)، تفسیر المیزان، برگردان: سید محمد خامنه، دارالعلم، قم، چاپ نخست.
- ۱۷- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۶)، تفسیر المیزان، برگردان: محمدجواد حجتی کرمانی و محمدعلی کرمانی، بنیاد علامه طباطبایی، تهران، چاپ ششم.
- ۱۸- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۴۴)، المبسوط فی الفقه الامامیه، جلد نخست، المکتبه المرتضویه، قم، چاپ دوم.

- ۱۹- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، تحقیق: سید حسن موسوی خراسانی، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ دوم.
- ۲۰- فاضل مقداد، جمال‌الدین، (۱۴۰۴)، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، چاپ نخست.
- ۲۱- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۰۵)، المصباح المنیر، دارالهجره، قم، چاپ سوم.
- ۲۲- قمی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ نخست.
- ۲۳- قمی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، علل الشرایع، مکتبه الدواری، قم، بی‌تا.
- ۲۴- کلاتری، علی‌اکبر، (۱۳۷۶)، «فقه و مصلحت نظام»، مجله فقه، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، دارالتعارف، بیروت.
- ۲۶- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، (۱۳۸۷)، مسؤولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی، برگردان: نصرالله حلمی، تهران، میزان، چاپ نخست.
- ۲۷- کیتی شیایزری، کریانگ ساک، (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل کیفری، برگردان: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ دوم، تهران، سمت.
- ۲۸- الماسی، نجادعلی، (۱۳۸۲)، حقوق بین‌الملل خصوصی، میزان، تهران، چاپ نخست.
- ۲۹- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، الوفاء، بیروت، چاپ دوم.
- ۳۰- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴)، مراه العقول، فی شرح اخبار ال الرسول، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثانی.
- ۳۱- محمدنسل، غلامرضا، (۱۳۸۵)، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، دادگستر، تهران، چاپ نخست.
- ۳۲- مشهدی، علی، (۱۳۸۹)، ترمینولوژی حقوق محیط زیست، خرسندی، تهران، چاپ نخست.
- ۳۳- مقدس اردبیلی، احمد، (۱۴۱۱)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، مجتبی عراقی، علی‌پناه اشتهاوردی و حسن یزدی، نشر اسلامی، قم، چاپ نخست.
- ۳۴- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۴)، تفسیر نمونه، جلد ۱، دارالکتب الاسلامی، تهران.
- ۳۵- موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۴۰۸)، تحریر الوسیله، اسماعیلیان، قم، چاپ نخست.
- ۳۶- موسوی‌زاده، رضا، امینان، اکبر، (۱۳۹۰)، جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، مرکز تحقیقات استراتژیک، قم، چاپ نخست.
- ۳۷- میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۸۸)، دادگاه کیفری بین‌المللی، دادگستر، تهران، چاپ نخست.
- ۳۸- میستر، تامس او، (۱۳۸۹)، اصول عملی اجرای خطوط لوله نفت و گاز، برگردان: موسی زارع ثانی، دایره صنعت، تهران، چاپ نخست.

۳۹. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۹۰)، «الحاق ایران به دیوان کیفری بین المللی از منظر نفی سبیل»، در جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین المللی، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- ۴۰- نجفی اسفاد، مرتضی، دارابی‌نیا، مرتضی، (۱۳۹۰)، «بررسی روند آلودگی نفتی با وجود کنوانسیون‌های بین‌المللی مبنی بر جلوگیری و رفع آن‌ها طی سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۹۲»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره ۲۱، شماره ۱.
- ۴۱- نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر)، (بی‌تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- ۴۲- قدیر، محسن، ساریخانی، عادل، (۱۳۹۰)، «احکام حکومتی و مصلحت در فقه شیعه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال نهم، شماره ۳۵.
- ۴۳- حلی (محقق حلی)، (۱۳۶۸)، شرایع الاسلام، برگردان: ابوالقاسم بن احمد یزدی، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم.
- ۴۴- زعفری، زیبا، پنجه‌پور، جواد، عابدینی، احمد، (۱۳۹۷)، «جایگاه قضا در فقه امامیه در مقایسه با قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هیجدهم، شماره ۵.
- Brown, L. (2000). *Principles of public International Law*. Oxford: Oxford University Press.
- Henckaerts, V. Jean, M. Doswald, B., (2005). *Customary international humanitarian law*. UK: Cambridge University Press.